

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۶

صفحات: ۲۰۳-۱۸۹

اثربخشی آموزش مؤلفه‌های هوش موفق بر انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر

بهروز هاشمی*، احمد غضنفری**، طیبه شریفی***، رضا احمدی****

چکیده

پژوهش حاضر میزان اثربخشی آموزش هوش موفق را بر انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر تعیین می‌کند. برای دستیابی به این هدف از روش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهرستان شهرکرد در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ که تعداد آن‌ها ۶۳۲۳ نفر بوده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری، تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۵۰ دانش‌آموز انتخاب شدند و به تصادف در دو گروه ۲۵ نفری آزمایش و کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش، به مدت ۱۲ جلسه، تحت برنامه آموزش هوش موفق قرار گرفت سپس هر دو گروه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون به وسیله پرسش‌نامه انگیزش پیشرفت تحصیلی والرلند و همکاران (۱۹۹۲) مورد سنجش قرار گرفتند. در تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کوواریانس استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از این است که آموزش هوش موفق بر انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر معناداری دارد ($p < 0.001$)؛ یعنی، می‌توان از برنامه آموزش هوش موفق برای بهبود انگیزش پیشرفت ت دانش‌آموزان استفاده نمود.

واژگان کلیدی: هوش موفق، انگیزش، انگیزش پیشرفت تحصیلی.

* دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول)

b_hashemi_319@yahoo.com

** دانشیار گروه روانشناسی واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد، ایران.

*** استادیار گروه روانشناسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد، ایران.

**** استادیار گروه روانشناسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد، ایران.

مقدمه

بعضی از دانش‌آموزان برای حل مشکلات و رسیدن به موفقیت بسیار کوشا هستند. این دانش‌آموزان، حتی پس از آنکه شکست می‌خورند؛ دست از تلاش بر نمی‌دارند و تا رسیدن به موفقیت به کوشش ادامه می‌دهند، در واقع این افراد دارای انگیزش بالا می‌باشند (بابایی، ۱۳۹۵). انگیزش^۱ محرک اساسی برای تمامی اعمال افراد است (سیف، ۱۳۸۸). انگیزش اشاره به پویایی رفتار دارد که شامل نیازها، امیال و جاه‌طلبی‌ها در زندگی می‌باشد همچنین نیروی اساسی موفقیت است و فرایندی است که در رفتارها، خود را به صورت هدفمند نشان می‌دهد (مورنو^۲، ۲۰۱۲). انگیزش پیشرفت^۳ به عنوان یک انگیزه مهم، مورد توجه پژوهشگران بوده و طی سه دهه اخیر بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است (پاریس، وینوگراد^۴، ۲۰۱۴) و برای نخستین بار توسط موری^۵ در سال ۱۹۳۰ مطرح شد (بیابانگرد، ۱۳۸۴). مک کلند، نیاز و انگیزش پیشرفت را نتیجه تعارض هیجانی بین امید به موفقیت، میل به دوری و گریز از شکست می‌داند و اینکه امید به موفقیت از سویی به هیجانانگیز و عقاید مثبت پیرامون موفقیت وابسته است و از سوی دیگر، ترس از شکست به هیجانانگیز و عقاید منفی و اینکه موقعیت پیشرفت دور از دسترس و خارج از توان او است، مرتبط است (آستین مای و اسپیناس^۶، ۲۰۰۹). انگیزش پیشرفت، عامل مهمی در پیشرفت تحصیلی شناخته شده است (بیابانگرد، ۱۳۸۴). انگیزش پیشرفت تحصیلی، در انرژی دادن و راهنمایی کردن و تداوم رفتار مؤثر است و رفتار فرد را به سمت تغییر رفتار سوق می‌دهد. باید گفت انگیزش پیشرفت تحصیلی در بین افراد متفاوت است؛ این تفاوت‌ها به سن فرد، موضوع یادگیری و بافت و زمینه یادگیری بستگی دارد (مورنو، ۲۰۱۲). روان‌شناسان و برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت ضرورت توجه به انگیزش پیشرفت تحصیلی را به دلیل ارتباط مؤثر آن با یادگیری جدید، مهارت‌ها، راهبردها و رفتارها یادآوری کرده‌اند (بابایی، ۱۳۹۵).

¹ -motivation

² -Moreno

³ -achievement motivation

⁴ -Paris & Winograd

⁵ -mory

⁶ -Steinmay & Spinath

از سوی دیگر هوش^۱ یکی از جذاب‌ترین فرایندهای روانی است که جلوه‌های آن در موجودات مختلف به میزان متفاوت مشاهده می‌شود. واژه هوش کیفیت پدیده‌ای را بیان می‌کند که دارای حالت انتزاعی بوده و قابل رؤیت نیست. به علت دارا بودن چنین ویژگی، تعریف آن مشکل است و از این رو، نظریه‌ها و تعریف‌های متعددی از آن ارائه شده است (استرنبرگ، ۲۰۰۵). نظریه هوش موفق از نظریه‌های مربوط به هوش است که توسط استرنبرگ ارائه شده است. افرادی هستند که در تحصیلات خود موفق بوده‌اند ولی در کار و شغل شکست خورده‌اند؛ یا کسانی که در مدرسه شکست خورده، ولی در کار خود موفق شده‌اند. افرادی هستند که نمره بالایی در آزمون‌های هوشی کسب کرده‌اند؛ ولی در تعاملات اجتماعی فاقد مهارت هستند. یا افرادی وجود دارند که نمرات پایینی در آزمون‌های هوشی دریافت می‌کنند اما در آزمون‌های عملی کارآمد هستند. عامه مردم نیز بین هوش تحصیلی و هوش عملی تفاوت قائل هستند (استرنبرگ، ۲۰۰۰).

نظریه هوش موفق از نظریه‌های کارآمد و جامع در حوزه هوش انسان است که در مقایسه با نظریه‌های سنتی هوش مزایای زیادی دارد (استرنبرگ و گریگورنکو، ۲۰۰۷). هوش موفق به‌عنوان توانایی کسب موفقیت در زندگی مبتنی بر اهداف شخصی در بافت فرهنگی-اجتماعی با کاربرد تعادل در استفاده از مهارت‌های عملی^۲، خلاق^۳ و تحلیلی^۴ در نظر گرفته می‌شود (استرنبرگ، ۱۹۹۹). توانایی تحلیلی به معنی مقایسه و ارزیابی مقدمات مورد نیاز برای حل مسئله و فرایندهای تصمیم‌گیری است (استرنبرگ و گریگورنکو، ۲۰۰۴). توانایی عملی نیز برای تصمیم‌گیری در مورد تعمیم دانش مکتسب در بافت‌های مختلف استفاده می‌شود؛ مانند کاربرد دانش روندی برای حل مسائل روزمره (چارت، گریگورنکو و استرنبرگ، ۲۰۰۸). از توانایی خلاق زمانی استفاده می‌شود که فرد با موقعیت‌هایی روبه‌رو شود که دارای درجه خاصی از تازگی باشد (استرنبرگ و گریگورنکو، ۲۰۰۷). استرنبرگ معتقد است که در آموزش، ایجاد موازنه بین سه نوع هوش مهم است؛ یعنی علاوه بر راهکارهای معمولی که بر یادگیری

^۱ -intelligence

^۲ -Sternberg

^۳ -Grigorenko

^۴ -practical

^۵ -creative

^۶ -analytical

صرف و به خاطر سپاری اطلاعات تمرکز دارد، باید فرصت‌هایی را برای آموختن از راه تفکر تحلیلی، خلاق و عملی به فراگیران داد (سانتروک، ۲۰۰۷). آموزش هوش موفق برای دانش‌آموزان از این لحاظ مهم است که به آن‌ها کمک می‌کند به سطحی از پیشرفت تحصیلی برسند که با توانایی‌ها و مهارت‌هایشان تناسب دارد. آموزش هوش کاملاً با مدرسه گره‌خورده است، زیرا از زمان‌های دور تصور می‌شده است که هوش نقش مهمی در پیشرفت تحصیلی دارد (سیانسیلو^۱ و استرنبرگ، ۲۰۰۴).

مروری بر نظریه‌ها و پژوهش‌ها نشان می‌دهد که دیدگاه‌های سنتی هوش بیشتر بر عامل کلی هوش تأکید می‌کنند و افرادی را که در حافظه و توانایی‌های تحلیلی قوی هستند مورد توجه قرار می‌دهند (استرنبرگ، ۲۰۱۴). متأسفانه در مدارس، بیشترین تفکری که از دانش‌آموزان انتظار می‌رود تفکر تحلیلی^۲ است، اما در خارج از مدرسه و در دنیای واقعی اهمیت تفکر خلاق و به‌ویژه تفکر عملی، خیلی بیشتر مورد انتظار است (استرنبرگ، گریگورنکو، ۲۰۰۷). تلاش‌هایی دربارهٔ اثربخشی آموزش هوش موفق در حوزه‌های گوناگون آموزشی و تربیتی به صورت مجزا و در سایر فرهنگ‌ها که از حیث ارزش‌ها و مبانی اعتقادی - فرهنگی، سبک زندگی، ویژگی‌های قومی - قبیله‌ای و سایر شرایط با ما متفاوت‌اند، صورت گرفته است. پژوهش‌های انجام‌شده در حوزهٔ تعلیم و تربیت، نمایانگر آن است که نظام‌های آموزشی بیشتر بر توانش حافظه دانش‌آموزان تأکید داشته، اما نتوانسته‌است بین دروس یاد گرفته‌شده توسط دانش‌آموزان و کاربرد آن در دنیای واقعی پلی ایجاد کند. همچنین باعث توجه کمتر بر توانش تحلیلی دانش‌آموزان و عدم توجه به پرورش تفکر خلاق و نوآورانه که ضرورت عصر حاضر می‌باشد، شده است. یافته‌های پژوهش بابایی (۱۳۹۵) نشان داد که آموزش هوش موفق باعث افزایش انگیزش پیشرفت تحصیلی در دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان شده است. قربانی (۱۳۹۵) به بررسی تبیین خردمندی هوش موفق و خودکارآمدی پرداخته است. شرفباف‌زاده و عبیدی (۱۳۹۳) نشان داد آموزش مؤلفه‌های تحلیلی، خلاق و عملی هوش موفق، بر افزایش انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر مؤثر است. همچنین مارتین و بیالیستک^۳ (۲۰۰۸) در تحقیق خود نشان داد که برنامه آموزش هوش موفق، بر

^۱ -ciyancylo

^۲ -analytical

^۳ -martin & Bialystok

افزایش انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر می‌باشد. در همین راستا، نیز می‌توان به تحقیقات صورت گرفته توسط استرنبرگ و گریگورنکو (۲۰۰۷) بهبود یادگیری درس علوم و مطالعات اجتماعی در پایه سوم و هشتم؛ استملر^۱، الیوت^۲، استرنبرگ، گریگورنکو (۲۰۰۶) یادگیری دروس روان‌شناسی و آمار اشاره کرد. در مطالعه دیگری، استرنبرگ، گریگورنکو و سینگر^۳ (۲۰۰۴) نشان داد دانش‌آموزانی که برای مؤلفه‌های هوش موفق آموزش دیده بودند، در همه ارزیابی‌ها اعم از واژگان، انگیزه و عملکرد بهتری را از خود نشان دادند؛ بنابراین، با توجه به مبانی ذکر شده و تحقیقات صورت گرفته، می‌توان پیش‌بینی کرد آموزش هوش موفق بتواند انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر را ارتقاء دهد. لذا هدف تحقیق حاضر، تعیین اثربخشی آموزش هوش موفق بر انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ روش نیمه آزمایشی و با بهره‌گیری از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون^۴ با گروه کنترل بوده است. با توجه به موضوع پژوهش و بر اساس اهداف طراحی شده، جامعه این پژوهش کلیه دانش‌آموزان متوسطه دوم دختر شهرستان شهرکرد در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ که حجم آن ۶۳۲۳ نفر هستند. نمونه این پژوهش شامل ۵۰ دانش‌آموز است که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب گردید. به این صورت که از بین دو ناحیه شهرستان شهرکرد، ناحیه یک و از بین مدارس ناحیه یک، یک آموزشگاه به تصادف انتخاب گردید. سپس یکی از کلاس‌ها به طور تصادفی گروه آزمایش (n=۲۵)، کلاس دیگر به عنوان گروه کنترل (n=۲۵) در نظر گرفته شد. حجم نمونه در این نوع طرح‌ها برای هر زیرگروه حداقل ۱۵ نفر کفایت می‌کند (کوهن، مانیون و موریس، ۲۰۰۲). ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از عدم شرکت به صورت هم‌زمان در سایر جلسات آموزشی، تکمیل کردن پرسش‌نامه با میل و رغبت و داشتن آمادگی جسمی و

¹ -Stemler

² -Elliott

³ -Singer

⁴ -pre-test and post-test

⁵ -cohen, monion&morrison

روانی لازم. ملاک خروج، شامل غیبت بیش از دو مورد در جلسات آموزشی و یا تمایل به خروج شرکت‌کننده، از فرایند پژوهش بود. برای رعایت ملاحظات اخلاقی پس از پایان مراحل پژوهش، برای دانش‌آموزانی که تمایل داشتند در برنامه آموزشی شرکت کنند، جلسات آموزشی اجرا گردید.

ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات: برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه (AMS) ساخته والراند^۱ همکاران (۱۹۹۲) به‌منظور سنجش انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان استفاده شد. پرسش‌نامه مذکور دارای سه خرده‌مقیاس انگیزه بیرونی، انگیزه درونی و بی‌انگیزشی می‌باشد. این پرسش‌نامه شامل ۲۸ گویه است که شامل سه مقیاس انگیزش درونی (۱۲ گویه)، انگیزش بیرونی (۱۲ گویه) و بی‌انگیزگی (۴ گویه است که دارای نمره معکوس می‌باشد) است. پاسخ به هر گویه بر روی یک طیف ۷ درجه‌ای لیکرت است که به ترتیب نمره ۱ تا ۷ به آن تعلق می‌گیرد. (اصلاً=۱ تا کاملاً=۷) والراند (۱۹۹۲) روایی پرسش‌نامه انگیزه پیشرفت تحصیلی را، از راه تحلیل عوامل اکتشافی موردبررسی قرارداد که روایی آن مناسب ارزیابی شده است. همچنین، پایایی کلی پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۱ و خرده‌مقیاس‌های انگیزش درونی، انگیزش بیرونی و بی‌انگیزگی به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۸۴، ۰/۸۵ گزارش کرد. در مطالعه ویسانی (۱۳۹۱) میزان آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های انگیزش درونی، بیرونی و بی‌انگیزگی به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۶ و ۰/۶۷ به دست آمد. بابایی (۱۳۹۵) برای تعیین روایی و پایایی پرسش‌نامه انگیزش پیشرفت تحصیلی از یک نمونه ۱۸۸ نفری استفاده کرد که پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۶ و از روش تنصیف ۰/۷۴ به دست آمد. در این پژوهش، برای تعیین پایایی پرسش‌نامه از یک نمونه ۵۰ نفری از آزمودنی‌ها و از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب ۰/۷۸ به دست آمد.

روند اجرا: برنامه آموزشی شامل بسته هوش موفق (بابایی، ۱۳۹۵) باهدف آموزش توانش‌های هوش موفق، برای دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم و دارای سه مبحث کلی درباره مهارت‌های تحلیلی، خلاق و عملی بود. گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد، اما گروه آزمایش دوازده جلسه آموزشی، هر جلسه به مدت یک ساعت و نیم در هر هفته، جمعاً ۱۸

^۱- vallerend

ساعت، دریافت کردند. ضمناً آموزش به صورت گروهی و با هماهنگی قبلی و اخذ رضایت از والدین در آموزشگاه اجرا گردید. در این بسته آموزشی، هر مبحث شامل تعدادی جلسه آموزشی است که موضوع و محتوای هر جلسه به صورت خلاصه در جدول ۱ ارائه شده است. هر جلسه دارای موضوعی خاص و مطالب و مثال‌های مشخص و متناسب با همان موضوع بوده و در انتهای هر جلسه، تکالیف متناسب با مطالب آموزش داده شده به دانش آموزان ارائه می‌شد. در ابتدای هر جلسه طی مدت زمان مشخص به شرح چگونگی انجام تکالیف جلسه گذشته پرداخته و پس از آن در مورد ابهامات احتمالی بحث می‌شد و در پایان هر جلسه خلاصه مطالب و مثال‌های همان جلسه به دانش آموزان ارائه می‌شد تا در طول هفته بتوانند مطالب ارائه شده در جلسه گذشته یا چگونگی نحوه انجام تکالیف هفته را مرور کنند.

جدول ۱: بسته آموزشی هوش موفق (اقتباس از بابایی، ۱۳۹۵)

محتوا	جلسات	موضوع و اهداف جلسات آموزشی هوش موفق
آموزش توانش تحلیلی	جلسه اول	معارفه، اهداف دوره، ساختار دوره و ایجاد انگیزه در دانش آموزان
	جلسه دوم	تشخیص مسائل و مشکلات محیط زندگی و فرایندهای مرتبط با هر مسئله و بررسی عمیق آن، شناخت منابع مرتبط با مسئله و تخصیص منطقی منابع
	جلسه سوم	ایجاد مهارت سازمان‌دهی اطلاعات با استفاده از صورت‌بندی مراحل حل مسئله و بازنمایی ذهنی، ایجاد مهارت در انتخاب راه‌حل برای مسئله موردنظر
	جلسه چهارم	ایجاد مهارت در نظارت بر راهبردهای حل مسئله و ایجاد مهارت ارزیابی ایده‌ها
آموزش توانش خلاق	جلسه پنجم	ایجاد مهارت بازنگری در مسئله و طرح مجدد آن، ایجاد مهارت اندیشیدن به روش‌های نو و جایگزین کردن بجای روش‌های قدیمی با بررسی دقیق و منطقی مسئله
	جلسه ششم	ایجاد مهارت دفاع از کار خلاق و روش‌های نو
	جلسه هفتم	ایجاد مهارت در ارائه ایده‌های بیشتر، ایجاد مهارت در بازنگری و بررسی کردن یک مسئله از زوایای مختلف
	جلسه هشتم	ایجاد مهارت در شناسایی و سازمان‌دهی ایده‌ها و ایجاد مهارت در شناسایی و زیر سؤال بردن موقعیت‌ها و ایده‌های موجود
آموزش توانش عملی	جلسه نهم	ایجاد مهارت در کنترل اندیشه‌های تکانشی و جایگزینی آن با تأمل بیشتر، پی بردن به این نکته که چه وقت باید استقامت کرد و چه زمانی باید دست از تلاش برداشت
	جلسه دهم	ایجاد مهارت در برانگیخته نگاه‌داشتن خود، انطباق فعالیت‌ها با توانایی‌های فرد

ایجاد فهم تلاش تا رسیدن به نتیجه پایانی و مدیریت مشکلات شخصی	جلسه یازدهم	
ایجاد فهم بر عهده گرفتن مسئولیت کارهای خود و عدم استفاده از دلسوزی برای خود تجمع بندی مطالب ارائه شده در طول دوره آموزشی	جلسه دوازدهم	

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS19 تجزیه و تحلیل شدند. در سطح آمار توصیفی برای هر یک از متغیرهای مورد مطالعه آماره‌های میانگین و انحراف استاندارد گزارش شده است. شاخص‌های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: میانگین، انحراف معیار، نمرات متغیرهای پژوهش در گروه آزمایش و کنترل

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
		M	SD	M	SD
انگیزش پیشرفت	کنترل	۱۱۰/۲۸	۱۶/۹۵	۱۰۹/۸	۱۴/۳۴
	آزمایش	۱۱۴/۱۶	۱۷/۰۴	۱۴۸/۳۶	۱۶/۴۴

با توجه به جدول ۲ که شامل آمار توصیفی نمرات انگیزش پیشرفت تحصیلی می‌باشد، در گروه‌های آزمایش، شاهد افزایش میانگین نمرات در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون هستیم ولی در گروه کنترل، میانگین نمرات پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون، افزایش نداشته است. جهت تعیین اثربخشی آموزش هوش موفق بر انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم از روش تحلیل کوواریانس استفاده شد. برای اطمینان از اینکه، داده‌های این پژوهش، مفروضه‌های زیربنایی تحلیل را دارد به بررسی آن‌ها پرداخته شد. آزمون کالموگروف - اسمیرنوف^۱ جهت بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش اجرا شد. نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون کالموگروف - اسمیرنوف در مورد نرمال بودن متغیر انگیزش پیشرفت تحصیلی

^۱ Colomogrof-smironof

متغیر	گروه	N	Z	p
انگیزش پیشرفت تحصیلی گروه کنترل	پیش‌آزمون	۲۵	۰/۸۰۶	۰/۳۶
	پس‌آزمون	۲۵	۱/۰۶	۰/۰۹
انگیزش پیشرفت تحصیلی گروه آزمایش	پیش‌آزمون	۲۵	۰/۹۰۲	۰/۳۷
	پس‌آزمون	۲۵	۱/۳۷	۰/۰۸

برای پیش‌فرض تساوی واریانس متغیرهای پژوهش از آزمون لوین^۱ استفاده شده است. نتایج معنی‌دار نبود و نشان داد که همگنی واریانس‌ها نیز برقرار است ($F=1/97, p > 0/167$). مفروضه دیگر مربوط به همگنی شیب رگرسیون بود که از طریق بررسی تعامل پیش‌آزمون و متغیر گروه مشخص گردید. این تعامل نیز معنی‌دار نبود. نتیجه آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: خلاصه نتایج بررسی تعامل پیش‌آزمون و متغیر گروه

منبع تغییرات	SS	df	MS	F	P
پیش‌آزمون انگیزش پیشرفت × گروه	۲۴/۸۵	۱	۲۴/۸۵	۰/۱۱۸	۰/۸۳۳
خطا	۹۷۱۱/۸۴	۴۶	۲۱۱/۱۲		
کل	۴۴۳۱۲/۵۸	۴۹			

همچنین با توجه به رابطه معنا‌دار بین متغیر هم‌پراش و متغیر مستقل، مفروضه خطی بودن رعایت شد. ($p > 0/05$). با توجه به اینکه، کلیه مفروضه‌های تحلیل برقرار بود از تحلیل کوواریانس جهت بررسی فرضیه پژوهش اثربخشی آموزش هوش موفق برافزایش انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان استفاده شد. در جدول ۵ نتایج تحلیل کوواریانس ارائه شده است.

جدول ۵: خلاصه نتایج تحلیل کوواریانس تأثیر هوش موفق بر انگیزش پیشرفت تحصیلی

منبع تغییرات	SS	df	MS	F	P	η^2
--------------	----	----	----	---	---	----------

^۱ -levin

پیش‌آزمون	۴۱۰/۹۱	۱	۴۱۰/۹۱	۱/۹۸	۰/۰۱۶	۰/۰۴
گروه	۱۷۸۲۶/۸۹	۱	۱۷۸۲۶/۸۹	۸۶/۵	۰/۰۰۱	۰/۶۴
خطا	۹۷۳۶/۶۹	۴۷	۲۰۷/۱۶			
کل	۴۴۳۱۲/۵۸	۴۹				

با توجه به جدول ۵، سطوح معناداری آزمون‌ها، نشان می‌دهد، بین گروه‌های آزمایشی و گواه تفاوتی معنادار ($F= ۸۶/۵$ ، $p<۰/۰۰۱$ ، $\eta^2=۰/۶۴$) وجود دارد بر اساس این نتیجه، می‌توان گفت که آموزش مؤلفه‌های هوش موفق نمرات پس‌آزمون دانش‌آموزان گروه آزمایش را افزایش داده است و ۶۴ درصد واریانس کل را تبیین می‌کند. به این معنا که مداخله آموزش هوش موفق منجر به بهبود انگیزش پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی اثربخشی آموزش هوش موفق بر انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهر شهرکرد انجام گرفت. یافته‌ها و نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که آموزش هوش موفق (تحلیلی، خلاق و عملی) باعث افزایش انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم گردیده است. نتیجه اخیر با نتایج پژوهش بابایی (۱۳۹۵)، شرفباف زاده و عبیدی (۱۳۹۳)، مارتین و بیالیستک (۲۰۰۸) و استرنبرگ گریگورنکو و جاروین (۲۰۰۱) مطابقت دارد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت، انگیزش پیشرفت تحصیلی به‌عنوان یکی از انگیزه‌های مهم، بین افراد متفاوت است. انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، می‌تواند متأثر از عوامل متفاوتی باشد که شناخت آن‌ها می‌تواند در بهبود این انگیزه مؤثر باشد. هوش موفق از طریق سازگاری، شکل‌دهی و انتخاب محیط برای رسیدن به هدف‌های فردی در بافت فرهنگی - اجتماعی منجر به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌گردد. افراد دارای هوش موفق، با استفاده از تعادلی که میان توانایی‌های تحلیلی، خلاق و عملی برقرار می‌کنند به انطباق محیط، تغییر و انتخاب آن دست می‌زنند (استرنبرگ و گریگورنکو، ۲۰۰۷). آموزش هوش موفق به فرد در شناسایی نقاط قوت و ضعف خود کمک می‌کند در نتیجه باعث افزایش خودکارآمدی و در نهایت افزایش انگیزه

پیشرفت تحصیلی می‌شود (قربانی، ۱۳۹۵). یکی از روش‌های رسیدن به این هدف مهم و اساسی یعنی افزایش انگیزه پیشرفت تحصیلی، ایجاد دامنه وسیعی از مهارت‌هاست. در حقیقت این امکان را می‌توان از راه آموزش مؤلفه‌های هوش موفق و پرورش توانایی‌های سه‌گانه تحلیلی، خلاق و عملی در فراگیران ایجاد کرد. به این صورت که توانش تحلیلی از طریق شناسایی منابع و سازمان‌دهی اطلاعات، انتخاب راه‌حل‌ها و نظارت و ارزیابی آن‌ها، توانش خلاق از طریق برانگیختن ایده‌ها، چندبعدی نگریستن، سازمان‌دهی ایده‌ها و زیر سؤال بردن موقعیت‌ها و روش‌ها، ارائه کار خلاق و توانش عملی از طریق عمل کردن روی یک موضوع، مدیریت مشکلات و تعیین مسئولیت منجر به انگیزش پیشرفت تحصیلی می‌شود (استرنبرگ، گریگورنکو و جاروین، ۲۰۰۱). فرد دارای انگیزه پیشرفت تحصیلی بالا، به تکالیف درسی به خوبی توجه می‌کند، تکالیف درسی را جدی می‌گیرد، سعی می‌کند دانش بیشتری از آنچه در کلاس درس به او می‌آموزند یاد بگیرد، برای یادگیری بهتر، مهارت‌های لازم و راهکارهای مناسب را جستجو می‌کند. انگیزش پیشرفت تحصیلی، یادگیرنده را به ارزیابی همه‌جانبه عملکرد خود با توجه به معیارهای خاص و تلاش برای موفقیت سوق می‌دهد (بحرانی، ۱۳۷۸). توجه به توانش تحلیلی، عملی و خلاق در فرایند تحصیل، باعث تحول و شکوفایی انگیزش پیشرفت درونی و بیرونی دانش‌آموزان خواهد شد (بابایی، ۱۳۹۵). انگیزه بیرونی، افراد را به خاطر پاداش‌ها و تقویت‌ها تشویق به انجام تکالیف می‌نماید. انگیزه درونی افراد را به صورت خودجوش و درونی به انجام تکالیف خاصی وامی‌دارد و سوای از پاداش‌های بیرونی، انجام خود تکلیف، برای فرد ارزشمند و رضایت‌بخش است (لی، کلنری، لیم و ارتیگا^۱، ۲۰۱۰). انگیزش درونی جذابیت لازم را برای انجام یک فعالیت، ایجاد کرده درحالی‌که فرد تحت تأثیر انگیزه بیرونی باهدف مستقلى به فعالیت خاصی دست می‌زند (سید محمدی، ۱۳۹۶). از آنجایی‌که فرایندهای آموزشی فعلی به‌ویژه در حیطه علوم انسانی، توانایی‌های عملی و خلاق فراگیران را رشد نمی‌دهد و حتی در زمینه توانایی‌های تحلیلی نیز به سطوح بالای شناختی توجه چندانی نمی‌کند، رشد توانش‌های هوش موفق، از جمله هدف‌های میانی آموزش و پرورش باید باشد. تدریس بر اساس این رویکرد، روندی نوین در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان آغاز می‌کند و نگاه تازه‌ای را برای دانش‌آموزان نسبت به مسائل پیرامون باز

¹ -Lee, McInerney, Lime, & Ortega

می‌گذارد. دانش‌آموزان را باید با هر نوع توانایی، در کلاس‌های درس فعال نگه‌داشت و زمینه ارتقاء انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را فراهم کرد. بدین منظور، متولیان امر، ضمن تشویق معلمان به اجرای این رویکرد نوین در آموزش باید با برگزاری کارگاه‌های متعدد دانش‌آموزان را با این فرآیند آشنا کنند. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده و برخلاف دیدگاه‌هایی که اکتسابی بودن هوش را زیر سؤال می‌برند و آن را قابل‌آموزش نمی‌دانند، می‌توان از آموزش هوش موفق در نظام آموزش و پرورش سود جست و با طراحی آموزشی مناسب، فراگیران را برای یک زندگی بهتر با توجه به شرایط خاصی که دارند، سوق داد. هوش موفق تعبیری مختصر، از هوش انسان موفق، است و این موفقیت هدف اصلی نظام‌های آموزشی است که با گسترش این دیدگاه از هوش بتوانیم به موفقیتی بیشتر نائل شویم. نتایج این پژوهش برنامه‌ریزان آموزش و پرورش را به این نکته رهنمون می‌سازد که آموزش هوش موفق بر اساس این رویکرد در مدارس باعث بهبود انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود.

از آنجایی که پژوهش حاضر صرفاً بر روی دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهرکرد انجام شد، لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، اثربخشی هوش موفق بر انگیزش پیشرفت تحصیلی، به‌صورت گسترده‌تر در گروه‌های جنسی و در فواصل سنی و مقاطع تحصیلی و مکان‌های مختلف بررسی شود. پیشنهاد می‌شود برای تعمیق یادگیری در دروس مختلف و بهبود انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان علاوه بر روش‌های مرسوم کلاسی، مهارت‌های تفکر تحلیلی، خلاق و عملی در قالب بسته‌های آموزشی هوش موفق به‌صورت کارگاهی آموزش داده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود، بسته هوش موفق در محتوای کتاب تفکر و سبک زندگی گنجانده شود و ضمن توجه به توانمندسازی و بالندگی معلمان در این خصوص، به دانش‌آموزان آموزش داده شود.

تشکر و قدردانی

نویسندگان تحقیق بر خود لازم می‌دانند از کلیه عوامل آموزش و پرورش شهرستان شهرکرد که امکان انجام تحقیق حاضر را فراهم کردند؛ تقدیر و تشکر به عمل آورند.

منابع

۱. استرنبرگ، رابرت و گریگورنکو، النا. (۱۳۹۰). تدریس در جهت پرورش هوش موفق. (ترجمه فرشته چراغی و همکاران). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم. (۲۰۰۷)
۲. بابایی، علی. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش هوش موفق بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان. رساله دکتری، دانشگاه چمران اهواز.
۳. بجرانی، محمود. (۱۳۷۸). بررسی رابطه انگیزه تحصیلی و عادات مطالعه گروهی دانش آموزان متوسطه شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۴. بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین مفاهیم منبع کنترل، عزت‌نفس و پیشرفت تحصیلی پسران سال سوم دبیرستان‌های شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
۵. سیانسیلو، آنا و استرنبرگ، رابرت. (۱۳۹۰). هوش: نظریه‌ها، اندازه‌گیری و آموزش. (ترجمه محمد امیری مجد و سالار فرامرزی). اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی. (۲۰۰۴)
۶. سید محمدی، یحیی. (۱۳۹۶). انگیزش و هیجان. تهران: انتشارات ویرایش.
۷. سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). روانشناسی پرورشی نوین و روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران، نشر دوران.
۸. شرفباف زاده، عادل و عبیدی، احمد. (۱۳۹۳). تأثیر برنامه آموزش هوش موفق بر انگیزه تحصیلی درونی و بیرونی دانش آموزان دختر دبیرستانی اصفهان. مجله بین‌المللی علوم پایه و تحقیقات کاربردی، ۳ (۱۰)، ۷۴۱-۷۴۶.
۹. قربانی، رقیه و خرمایی، فرهاد. (۱۳۹۵). تبیین خردمندی بر اساس هوش موفق و خودکارآمدی مقابله. مجله روانشناسی تحولی: روان‌شناسی ایرانی، ۱۳ (۴۹)، ۴۳-۵۵.
۱۰. ویسانی، مختار لواسانی، غلامعلی؛ اثره‌ای، جواد. (۱۳۹۱). نقش اهداف پیشرفت، انگیزش تحصیلی و راهبردهای یادگیری بر اضطراب آمار، آزمون مدل علی. مجله روانشناسی، ۱۴۲، ۱-۱۶۰.

11. Chart, H., Grigorenko, E. L., & Sternberg, R. J. (2008). *Identification: The Aurora Battery*.
12. Cohen, L., Manion, L., & Morrison, K. (2002). *Research methods in education*. Routledge.
13. Lee, J. Q., McInerney, D. M., Liem, G. A. D., & Ortiga, Y. P. (2010). *The relationship between future goals and achievement goal orientations: An intrinsic-extrinsic motivation perspective*. *Contemporary Educational Psychology*, 35(4), 264-279.
14. Martin-Rhee, M. M., & Bialystok, E. (2008). *The development of two types of inhibitory control in monolingual and bilingual children*. *Bilingualism: language and cognition*, 11(1), 81-93.
15. Moreno, R. (2012). *Educational psychology. 13 th, american: John Wiley and Sons*.
16. Peeters, J., De Backer, F., Reina, V. R., Kindekens, A., Buffel, T., & Lombaerts, K. (2014). *The role of teachers' self-regulatory capacities in the implementation of self-regulated learning practices*. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116, 1963-1970.
17. Santrock, J. W. (2007). *A topical approach to life-span development*, 3E. Ch, 5, 192.
18. Steinberg, R. J. (2000). *Teaching psychology students about creativity as a decision*. *Psychology Teaching Review*, 8(2), 111-118.
19. Steinmayr, R., & Spinath, B. (2009). *The importance of motivation as a predictor of school achievement*. *Learning and Individual Differences*, 19(1), 80-90.
20. Stemler, S. E., Elliott, J. G., Grigorenko, E. L., & Sternberg, R. J. (2006). *There's more to teaching than instruction: seven strategies for dealing with the practical side of teaching*. *Educational Studies*, 32(1), 101-118.
21. Sternberg, R. J. (1999). *A triarchic approach to the understanding and assessment of intelligence in multicultural populations*. *Journal of School Psychology*, 37(2), 145-159.
22. Sternberg, R. J. (2005). *The theory of successful intelligence*. *Interamerican Journal of Psychology*, 39(2).
23. Sternberg, R. J. (2014). *Teaching about the nature of intelligence*. *Intelligence*, 42, 176-179.

24. Sternberg, R. J., & Grigorenko, E. L. (2004). *Successful intelligence in the classroom. Theory into practice*, 43(4), 274-280..
25. Sternberg, R. J., & Grigorenko, E. L. (2007). *Teaching for successful intelligence: To increase student learning and achievement*. Corwin Press.
26. Sternberg, R. J., Grigorenko, E. L., & Jarvin, L. (2001). *Improving Reading Instruction: The Triarchic Model*. *Educational Leadership*, 58(6), 48-52.
27. Sternberg, R. J., Grigorenko, E. L., & Singer, J. L. (2004). *Creativity: From potential to realization*. American Psychological Association.
28. Sternberg, R.J. (2005). *Teaching college students that creativity is a decision*. *Guidance & Counselling*, 19(4), 196–200
29. Vallerand, R. J., Pelletier, L. G., Blais, M. R., Briere, N. M., Senecal, C., & Vallieres, E. F. (1992). *The Academic Motivation Scale: A measure of intrinsic, extrinsic, and amotivation in education*. *Educational and psychological measurement*, 52(4), 1003-1017.